

بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی آمریکا در قبال هسته‌ای شدن هند و پاکستان (بعد از جنگ سرد)

نوذر شفیعی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) shafiee2@hotmail.com

مأنده کریمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۸

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۵

چکیده

در منطقه آسیای جنوبی دو کشور مهم هند و پاکستان به تسلیحات اتمی دست یافته‌اند و این منطقه را به قلمرویی پرخطر تبدیل کرده‌اند. با دستیابی هند به بمب اتم در سال ۱۹۷۴، پاکستان نیز بر مبنای اختلافات تاریخی و برای ارتقا وضعیت خود، کسب سلاح‌های هسته‌ای را در اولویت قرار داد و در سال ۱۹۹۸ به پیروی از هند اقدام به آزمایش‌های هسته‌ای نمود. نگرانی قدرت‌های جهانی و به ویژه ایالات متحده آمریکا از پیامدهای آزمایش‌های اتمی هند و پاکستان آنان را واداشت تا سیاست‌های متناسبی نسبت به دو کشور پیش بگیرند. تجزیه و تحلیل این جهت‌گیری‌ها و عوامل تأثیرگذار بر آن هدف اصلی این مقاله است. از این رو پرسش اصلی این مقاله این است که چه تفاوتی بین سیاست آمریکا در قبال هسته‌ای شدن هند و پاکستان پس از جنگ سرد وجود دارد و این تفاوت ناشی از چه عواملی است؟ در خلال این بررسی که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، مشاهده شد که جایگاه کشورها در سیاست خارجی آمریکا بر نوع تعامل ایالات متحده با آن کشورها تأثیرگذار است. همین تفاوت در جایگاه هند و پاکستان در سیاست خارجی آمریکا است که به تفاوت در سیاست خارجی آمریکا نسبت به این دو کشور در موضوعی واحد (هسته‌ای شدن) منجر شده است.

واژگان کلیدی: جنوب آسیا، آزمایش‌های اتمی، تسلیحات هسته‌ای، سیاست خارجی، بازدارندگی هسته‌ای

مقدمه

سیاست خارجی آمریکا در قبال هند و پاکستان بعد از جنگ سرد را می‌توان به سه دوره تقسیم نمود: از دهه ۱۹۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ از ۱۱ سپتامبر تا پایان دولت بوش در سال ۲۰۰۸ و از شروع ریاست جمهوری اوباما تا سال ۲۰۱۲. با توجه به اقدامات و واکنش‌های آمریکا می‌توان سیاست این کشور در دوره اول را سیاست هویج و چماق نامید که در همین دوره نیز گاهی محرومیت‌ها و تهدیدها بر امتیازات غلبه می‌یافت و گاهی عکس آن رخ می‌داد. اما محدودیت‌ها نسبت به پاکستان از شدت بیشتری برخوردار بود. در دوره دوم حمایت از سیاست هسته‌ای هند در دستور کار قرار گرفت، در حالی که تنها به حفظ وضعیت تأسیسات هسته‌ای پاکستان بسنده شد. در دوران اوباما تاکنون سیاست‌های دوره قبل نسبت به دو کشور تداوم یافته است و تنها در مواردی در سیاست اعلامی نسبت به پاکستان تغییراتی مشاهده می‌شود. سوالی که مطرح می‌شود این است که چه عواملی بر این موضع‌گیری‌ها تاثیرگذار بوده است؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا به بررسی سیاست آمریکا نسبت به هندوستان می‌پردازیم و در بخش بعد سیاست آمریکا را نسبت به پاکستان بررسی می‌کنیم. از طریق این بررسی به مقایسه سیاست آمریکا در قبال هسته‌ای شدن هند و پاکستان می‌پردازیم.

سیاست آمریکا در قبال هسته‌ای شدن هند

سیاست آمریکا نسبت به برنامه هسته‌ای هند در این سه دوره شامل دیپلماسی اجبار آمیز (اعمال تحریم)، سیاست هویج و چماق، سیاست همکاری (امضای توافق هسته‌ای میان هند و آمریکا) و تداوم آن می‌باشد.

دوره اول: آغاز دهه ۱۹۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

با آزمایش‌های هسته‌ای هند، سه نوع تحریم توسط آمریکا علیه این کشور به اجرا درآمد: ۱. صادرات فن آوری با کاربرد دوگانه که قابل استفاده در سلاح‌های هسته‌ای باشد و از دهه ۱۹۸۰ به هند صادر می‌شدند، ممنوع شد. ۲. شرکت‌ها و موسسات آمریکایی از برقراری روابط با سازمان‌ها و شرکت‌های هندی درگیر در برنامه‌های دفاعی هند، منع شدند. ۳. کمک‌های مالی هند از بانک صادرات و واردات آمریکا و حمایت آمریکا از کسب وام توسط هند از سازمان‌های چندجانبه

مانند بانک جهانی ممنوع گشت (Malik, 2006: 86). دولتمردان آمریکا بعد از مدتی تحریم‌های خود را علیه هند کاهش دادند. برای مثال در جولای ۱۹۹۸، تحریم‌های مرتبط با اعتبارات کشاورزی مرتفع شد. این تغییر موضع از دو علت ناشی می‌شد؛ بی‌اثر بودن آن‌ها در سیاست‌های هند و وارد آوردن زیان به منافع اقتصادی آمریکا.

اگرچه آمریکا در ژوئن سال ۱۹۹۷ از تلاش هند برای تولید و آزمایش بمب‌های هسته‌ای جدید انتقاد کرد، اما گزارش‌ها حاکی از آن بود که آمریکا به هند تکنولوژی هسته‌ای و ابزارهای لازم مانند برنامه‌های کامپیوتری صادر کرده است. در حالی که این اقدام با سیاست وزارت بازرگانی مبنی بر نظارت کامل بر صدور تجهیزات نظامی مغایرت داشت. در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶، نیز ۴۱۸ هندی از سه آزمایشگاه بزرگ تسلیحاتی در کالیفرنیا، لوس‌آنجلس و نیومکزیکو بازدید کرده بودند.

یکی از عوامل مهمی که در تعدیل مواضع آمریکا در مقابل هند موثر بود، روابط هند و اسرائیل بود. هند با به رسمیت شناختن اسرائیل در سال ۱۹۵۰، اقدام به همکاری‌های نظامی مخفیانه با اسرائیل نمود. نیازهای تسلیحاتی هند اعم از موشک‌های حمل‌کننده، سیستم‌های دفاعی و هواپیماهای هدایت شونده بازار گسترده‌ای را برای اسرائیل در شبه‌قاره به وجود آورده بود. در مقابل وسعت سرزمین هند، امکان آزمایش‌های هسته‌ای اسرائیل را در خاک هند فراهم می‌آورد (زندلی علی آبادی، ۱۳۸۶: ۱). به رسمیت شناختن اسرائیل، کمک‌های متقابل هند و اسرائیل و نفوذ اسرائیلی‌ها در آمریکا، موضع آمریکا را در برابر هند تعدیل می‌کرد.

دوره دوم: از ۱۱ سپتامبر تا پایان دولت بوش در سال ۲۰۰۸

در این دوره رفتار آمریکا با هند در زمینه تکنولوژی و تسلیحات هسته‌ای تابع چند عامل است:

۱. کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی: ساخت رآکتورهای هسته‌ای پیشرفته و سرمایه‌گذاری در بخش صلح آمیز انرژی، کاهش استفاده از سوخت‌های آلوده‌کننده و پایان پذیر را به همراه دارد.

۲. لابی‌های هندی: جمعیت هندی‌های مقیم آمریکا بیش از ۲ میلیون نفر می‌رسد. که اغلب این افراد تحصیل کرده و متخصص هستند. بعضی از این افراد که هندی تبارهای آمریکایی خوانده می‌شوند در کنگره آمریکا نیز حضور دارند (wisner, 2003:33). علاوه بر آن‌ها به دلیل روابط

حسنة هند و اسرائیل و مبادلات نظامی میان آن‌ها و حتی پرتاب موشک، عامل اسرائیل نیز در نزدیکی روابط هند و آمریکا ایفای نقش می‌کنند.^۱

۳. مسائل سیاسی و دیپلماتیک: نوعی رابطه متقابل میان سیاست‌های آمریکا و بحث هسته‌ای هند وجود دارد. به این معنا که آمریکا برای پیشبرد اهداف سیاسی و دیپلماتیک خود، از فشار قراردادهای کمک هسته‌ای استفاده می‌کند و در مقابل در صورت همراهی هند با خواسته‌های آمریکا، به تقاضای هسته‌ای آن پاسخ مثبت می‌دهد. مثال آشکار این گفته فشار آمریکا برای رأی هند علیه ایران در موضوع برنامه هسته‌ای است. با رأی مثبت هند به قطعنامه شورای حکام علیه ایران و ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، کنگره آمریکا به لایحه پیمان هسته‌ای با هند رای داد. ۱۰ روز پس از آن بوش این پیمان را به قانون تبدیل کرد.

۴. نظارت بر تأسیسات هسته‌ای: آلبرتو گوتراالس از مقام‌های ارشد وزارت خارجه آمریکا این پیمان را راهی برای اعمال نظارت بین‌المللی بر تأسیسات اتمی غیرنظامی دانست.^۲ همچنین آمریکا تصور می‌کند با این توافق زمینه پیوستن هند به پیمان ان. پی. تی را فراهم شده و فعالیت‌های هسته‌ای این کشور تحت قواعد آژانس در می‌آید (شفیعی، ۱۳).

بر اساس طرح آمریکا برای موافقت نامه هسته‌ای، دهلی نو باید بین تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیرنظامی خود تفکیک قائل شو (Durrani, 2005:34). تأسیسات غیرنظامی هند زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و آمریکا قرار گیرد.^۳ اگرچه این پروژه امتیازاتی برای هند در بر داشته است، اما مزایای بیشتری برای آمریکا به همراه دارد. زیرا آزادی عمل هند را در زمینه پروژه‌های هسته‌ای محدود کرده است.^۴ این توافق در ۱۸ جولای ۲۰۰۵ علی‌رغم مغایرت با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به امضا رسید. بر اساس این توافق هند می‌تواند از آمریکا سوخت و تکنولوژی هسته‌ای بخرد. هم‌چنین هند اجازه ایجاد ذخایر استراتژیک سوخت هسته‌ای را دارد تا در صورت اختلال در تأمین سوخت از آن استفاده کند. آمریکا بر اساس این توافق به تحویل اورانیوم غنی شده برای راکتورهای آب سنگین تعهد داده است. در حالی که این مورد در ساخت سلاح هسته‌ای نیز به کار گرفته می‌شود.

۱. www.bashgah.net/pages-27271.html، ۲۰ دی ۱۳۸۸

۲. www.mardomsalari.com/TEMPLATE1/Article.aspx?AID=9808، ۲۳ آذر ۱۳۸۸

۳. Lt Gen Asad Durrani, «Indo-US Nuclear and Def Collaboration», National Development and Security, Vol. XIII, No.4 (Summer 2005), p.34

۴. drshafiee.blogfa.com/post-35.aspx، ۲۸ آبان ۱۳۸۸

در ایالات متحده این دیدگاه غالب شد که آمریکا نباید از تحقیقات هسته‌ای نگران باشد، بلکه باید از هند برای تحقیقات بر روی راکتورهای پیشرفته هسته‌ای دعوت نماید. هم چنین این گزارش بیان می‌کرد که آمریکا به منظور حفاظت از راکتورهای اتمی هند به این کشور تجهیزات ایمنی هسته‌ای صادر کند و به راکتور اتمی تاراپور سوخت اتمی عرضه نماید در مقابل این امکان فراهم شود تا تاسیسات غیر نظامی هند تحت نظارت آژانس قرار گیرد (Kornstadt, 2006: 6).

هند و آمریکا از سال ۲۰۰۳ در جهت لغو محدودیت‌های دفاعی و تجارت دفاعی تحمیل شده به وسیله آمریکا برآمدند. امضای موافقت نامه گام جدید در مشارکت استراتژیک در سال ۲۰۰۴ که در سال ۲۰۰۵ تکمیل شد، لغو بسیاری از محدودیت‌ها علیه صادرات تکنولوژی به هند را در پی داشت. آمریکا در مارس ۲۰۰۵ مجوز انعقاد قراردادهای بزرگ تجاری میان شرکت‌های بزرگ دو کشور به منظور تهیه هواپیماهای بزرگ پیشرفته و تولیدات مشترک هواپیمایی را اعطا کرد. (توحیدی، ۱۳۸۶)

۵. تشابهات سیاسی: عامل تشابهات سیاسی از آنجا اهمیت دارد که هند به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان شناخته شده است. هند در ایجاد یک نظام باز و مبتنی بر هنجارهای قانونی، انتخابات آزاد و آزادی بیان موفق عمل کرده است (Wisner, 2003: 32) و باید از کشورهای یاغی دارای سلاح‌های هسته‌ای تمیز داده شود. زیرا هند یک دموکراسی باثبات است که در عین حال مخالف استفاده از نیروهای نظامی است (Dudley, 2003: 121). در توافق ۲۰۰۵ دولت هند، دولت مسئول با تکنولوژی پیشرفته هسته‌های شناخته شده است که می‌تواند مانند دول دیگر از مزایای آن برخوردار باشد (Kornstadt, 2006: 8). آمریکا معتقد است هند هیچ‌گاه از ذخایر هسته‌ای خود برای اهداف نظامی استفاده نمی‌کند. بر اساس تئوری صلح دموکراتیک کانت، دموکراسی‌ها به دنبال صلح و آرامش هستند و زمینه‌های همکاری میان آن‌ها فراهم است.

۶. مقابله با تروریسم: هند با متهم کردن شورشیان کشمیری و نگرانی از فعالیت‌های تروریستی گروه‌های اسلامی در افغانستان و پاکستان با آمریکا در گفتمان مبارزه با تروریسم همراه شد^۱. مشاور امنیت ملی هند، بهاراجا میشنا در مرکز کمیته یهودیان آمریکا در مه ۲۰۰۳ اسرائیل، هند و آمریکا را کشورهای دموکراتیکی قلمداد کرد که باید جبهه‌ای واحد علیه بنیادگرایی اسلامی تشکیل دهند. در واقع یکی از سیاست‌های هند در برابر قدرت‌های بزرگ ایجاد منافع مشترک

۲۱ آبان ۱۳۸۸، drshafie.ir/post-3.aspx

است (Rajagopalan, 2008:12). بسیاری از هندی‌ها معتقدند کابینه بوش دو معیار در مورد تروریسم دارد: وقتی آمریکا هدف است و هنگامی که هند قربانی است (Wisner, 2033:16) با حمله به پارلمان هند در دسامبر ۲۰۰۱، سفیر ایالات متحده تأکید کرد که حوادثی که در هند اتفاق رخ داده است، اهدافی مشابه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر دارد (شاستین، ۲۰۱۳:۴۰).

دوره سوم: از ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۲

اوباما و نخست وزیر هند، سینگ، در نوامبر ۲۰۰۹، بیانیه مشترکی را ارائه دادند که نشان از تداوم رابطه استراتژیک میان دو کشور است. در این بیانیه سینگ و اوباما تصور مشترک خود را از یک جهان عاری از تسلیحات هسته‌ای مورد تأکید قرار داده و متعهد شدند که به عنوان رهبران کشورهای مسئول و دارای فن آوری هسته‌ای، در جهت تحکیم نظام منع گسترش و خلع سلاح هسته‌ای جهانی، به صورت غیرتبعیض آمیز و کامل همکاری کنند. هند اقدام یک جانبه و داوطلبانه‌ی خود در تعلیق آزمایش هسته‌ای را مورد تأکید قرار داد و ایالات متحده نیز بر اقدام خود در تعلیق آزمایش‌های هسته‌ای و تعهد خود به تصویب پیمان جامع منع آزمایش‌های هسته‌ای و اجرایی کردن آن در اسرع وقت، تأکید کرد. دو رهبر موافقت کردند که به طور منظم با یکدیگر مشورت کرده و آغاز زودهنگام مذاکرات در خصوص پیمانی چندجانبه، غیرتبعیض آمیز و قابل تأیید در سطح بین‌المللی را در مورد قطع مواد شکافت پذیر در کنفرانس خلع سلاح، پی گیری کنند. آن‌ها یادآور شدند که تروریسم هسته‌ای و شبکه‌های سری موارد بسیار نگران کننده‌ای شمرده می‌شوند (www.Amarican.gov).

لذا سیاست آمریکا نسبت به هند در دوره اوباما، اعتماد به این کشور و استمرار همکاری‌ها است، اما به طور کلی و به عنوان یک جمع بندی از ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۱۲ جایگاه هند از یک کشور تحریم شده به تدریج به یک متحد استراتژیک آمریکا در زمینه هسته‌ای (علی رغم تناقض آشکار با NPT) تغییر می‌یابد. این در حالی است که در مورد پاکستان که روی دیگر سکه بحث ماست این گونه نبوده است.

بخش دوم: سیاست آمریکا در قبال هسته‌ای شدن پاکستان

دیپلماسی اجبارآمیز (تحریم‌های شدید همراه با برخی تناقضات رفتاری)، سیاست هویج و چماق، سیاست کنترل و نظارت (حفاظت اطلاعات و تاسیسات) راهبردهای آمریکا از ۱۹۹۸ تا سال ۲۰۱۲ در مورد پاکستان می‌باشند.

دوره اول: آغاز دهه ۱۹۹۰ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

در دوره اول حکومت بی نظیر بوتو، پاکستان با سیاست گفتگوی مخفیانه به دنبال حل مسائل هسته‌ای بود. در سال ۱۹۹۰ آمریکا شرایطی را پیش روی پاکستان قرار داد: ۱- توقف تولید اورانیوم با غنای بالا؛ ۲- عدم تبدیل اورانیوم با غنای بالا به شکل مذاب؛ ۳- عدم برخورداری از اجزای بمب. پاکستان با دو مورد اول موافقت کرد ولی از سومین خواسته رضایت نداشت. در سال ۱۹۹۰ غلام اسحاق خان رئیس جمهور، ژنرال اسلام بیگ رئیس ارتش و بوتو نخست وزیر با آمریکا برای توقف برنامه هسته‌ای پاکستان توافقات پنهانی انجام دادند. با پایان نخست وزیری به وتو و دوباره روی کار آمدن وی این مسائل ادامه یافت. البته بخشی از جامعه پاکستان معتقد بودند باید تصمیم گیری در زمینه هسته‌ای آشکار و علنی باشد. (Rehman, 1995)

در اکتبر ۱۹۹۰ کابینه بوش پدر به کمک‌های نظامی و اقتصادی به پاکستان پایان داد. زیرا نتوانست عدم برخورداری پاکستان از سلاح‌های هسته‌ای را به کنگره اثبات نماید. (Singh, 1998: 178) بر اساس قانون پرسرلر مصوب سال ۱۹۸۵ رئیس جمهور باید هر سال عدم کسب سلاح به پاکستان را تأیید می‌کرد (Rennack, 2001) در فوریه ۱۹۹۲، فرمانده سابق ارتش پاکستان، ژنرال انعام الحق^۱ به دلیل صادرات مواد هسته‌ای، از آلمان به آمریکا تحویل داده شد. در سال ۱۹۹۳ آمریکا، آژانس فضایی^۲ پاکستان را به دلیل خرید اجزای موشک‌های M-11 تحریم کرد. (Singh, 1998: 167) در آوریل ۱۹۹۴ وزارت خارجه آمریکا به کنگره گزارش داد که پاکستان می‌تواند تعداد محدودی از سلاح‌های هسته‌ای را در کوتاه مدت کسب نماید و در ژوئن ۱۹۹۵ آمریکا به شواهدی دال بر برخورداری پاکستان از حدود ۵۰ موشک کامل دست یافت، اما کلینتون به منظور اجتناب از تحریم آن را نادیده گرفت و در سال ۱۹۹۶، بدون توجه به هسته‌ای شدن پاکستان، آمریکا ۳۶۸ میلیون دلار در چارچوب قانون براون به پاکستان کمک کرد.

1. Inam Ulhaq
2. space agency

(Singh, 1998: 168) کلینتون در مورد موضوع عدم تکثیر نگاه رئالیستی را دنبال می‌کرد. (Hass & Rose, 1997: 21) برخی اهداف آنی و ناگهانی آمریکا موجب تناقضی در رفتار با پاکستان می‌شد. محدودیت کمک‌های مالی و نظامی به پاکستان موجب گرایش این کشور به انگلیس، فرانسه، چین، روسیه، اوکراین و ایران می‌شد (Ibid: 22) و تقلیل سیاست هسته‌ای پاکستان را به دنبال نداشت.

همواره سازمان‌های آمریکا از فعالیت‌های پاکستان در زمینه هسته‌ای آگاه بوده‌اند. در فوریه ۱۹۹۶، CIA از فروش ۵۰۰۰ حلقه مغناطیسی چین به لابراتوار تحقیق عبدالقدیرخان که ظرفیت غنی سازی اورانیوم را دو برابر می‌نماید، خبر داد. در آوریل ۱۹۹۶، CIA آگاه شد که چین تکنیک و تجهیزات کارخانه تولید پلوتونیوم را به پاکستان داده است و در آگوست همین سال پاکستان کارخانه‌ای پنهانی در جهت تولید موشک‌هایی با برد متوسط با کمک چین احداث نمود. این موشک‌ها قادرند کلاهک هسته‌ای حمل کنند. موشک هاتف ۳ در سال ۱۹۹۷ آزمایش می‌شود. در سال ۱۹۹۸ قانون هارکن - وارنر با هدف از سرگیری کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان تصویب شد. در حالی که هاتف ۵ در آوریل ۱۹۹۸ با برد ۱۵۰۰ کیلومتر و حمل ۷۰۰ کیلوگرم بار آزمایش شد و بالاخره در مه ۱۹۹۸، اولین آزمایش هسته‌ای پاکستان صورت گرفت (Singh, 1984: 5) که منجر به تحریم پاکستان شد. این تحریم‌ها موارد زیر را در بر می‌گرفت: توقف آزمایش‌های هسته‌ای بیشتر؛ امضای فوری CTBT بدون شرط؛ عدم گسترش و آزمایش موشک و سلاح‌های هسته‌ای؛ توقف تولید مواد لازم برای تسلیحات هسته‌ای؛ محدودیت انتقال تکنولوژی و کالاهای استراتژیک و کاهش تنش دوجانبه بر سر کشمیر. (Javid, 2006: 37) اما به تدریج تحریم‌ها سبک یا رها شدند. کنگره نیز به رئیس جمهور اختیار لغو محدودیت‌های باقی مانده را در سال ۱۹۹۱ داد و بوش در ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۱ نیاز به مجوز برای صادرات و عدم یاری پاکستان را کنار گذاشت و سنا برای مقابله با تروریسم دو سال کمک دیگر تصویب نمود. تا سال ۲۰۰۰، ۷ دور مذاکرات میان پاکستان و آمریکا به منظور ایجاد ساختار عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای انجام شد. اما تعیین معیار منطقی برای نیروهای موشکی بالستیک، هسته‌ای و متعارف، با ایجاد زبان مشترک استراتژیک و تبدیل چانه‌زنی به یک دیالوگ صریح شکست خورد (Ibid: 42)

دوره دوم: از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا پایان دولت بوش در سال ۲۰۰۸
بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، دو سند امنیت ملی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ رویکرد آمریکا را نسبت به موضوع هسته‌ای بیان می‌دارد. استراتژی امنیت ملی آمریکا در ۱۶ مارس ۲۰۰۶ از رویکرد تهاجمی تری نسبت به سند ۲۰۰۲ برخوردار است. در مجموع برخورد آمریکا با پاکستان تحت تأثیر چند عامل بوده است: ۱- تروریسم ۲- رقابت تسلیحاتی ۳- بی ثباتی پاکستان ۳- انتقال تکنولوژی هسته‌ای توسط این کشور به دولت‌های دیگر.

الف: تروریسم

بعد از ۱۱ سپتامبر، بوش دکترین جدیدی را مطرح کرد که مهم‌ترین آموزه آن این بود که کشورها یا با ما هستند یا بر ما. در این راستا آرمیتاژ معاون وزارت خارجه آمریکا این دیدگاه را به مشرف رئیس جمهور نظامی پاکستان ابلاغ کرد. در این سیاست جدید سلاح هسته‌ای به خودی خود خوب یا بد نیست، بلکه باید تشخیص داد شود که کشورهای دارای این سلاح‌ها خوب یا بد هستند. قبل از آن تمام سلاح‌های هسته‌ای بد تلقی می‌شدند. (شل، ۱۳۸۶: ۳۰)

به عبارت دیگر در سند امنیت ملی آمریکا شاهد تلاقی سلاح‌های کشتار جمعی و وحشت تروریسم هستیم. تلاش‌های پاکستان برای کسب سلاح هسته‌ای تا سال ۲۰۰۳ مورد اغماض قرار می‌گرفت. ولی در این تاریخ سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و آلمان یک کشتی حامل مواد هسته‌ای راهی لیبی را تعقیب کرده و مشرف را مجبور کردند که عبدالقدیر خان-قهرمان هسته‌ای پاکستان و رئیس لابراتوارهای تحقیق در کاهوتا- را تحت بازداشت خانگی درآورد (Ibid:30).

اندکی پیش از ۱۱ سپتامبر، دو نفر از دانشمندان رده بالای برنامه هسته‌ای پاکستان- سلطان بشیرالدین محمودمدیرکل پیشین کمیسیون انرژی اتمی پاکستان و چودری عبدالمجید- اقدام به مشورت با اسامه بن لادن برای ساخت بمب اتمی نمودند. آنان در اقامتگاه خود بازداشت شدند (Ibid:30).

از دیدگاه آمریکا تروریسم مستقیم یا غیر مستقیم با پاکستان ارتباط دارد. گروه‌های افراطی مانند لشکر طیبه و جیش محمد در پاکستان ریشه دارند و نیروهای نظامی طالبان در مناطق مرزی و قبیله‌ای پاکستان- که دولت مرکزی کنترل زیادی بر آنها ندارد- حضور دارند. گسترش مداوم و فعال طالبان به سوی مناطق مرکزی و شرقی نیز اوضاع را خطرناک‌تر نموده است (واعظی، ۱۳۸۶: ۸-۹). به همین دلیل مقامات آمریکا آشکارا از رشد یاغی‌گری در پاکستان سخن می‌گویند.

ب: رقابت تسلیحاتی

از ابتدای تأسیس پاکستان، این کشور و هند در تمام زمینه‌ها به رقابت با یکدیگر می‌پرداختند. از مهم‌ترین این موارد موضوع کسب انرژی و بمب هسته‌ای است. پس از انفجار اتمی هند در سال ۱۹۷۴ پاکستان با تمام توان برای دستیابی به بمب اتم تلاش کرد و بالاخره در سال ۱۹۹۸ موفق به کسب تسلیحات هسته‌ای شد. تأثیرپذیری پاکستان تا حدی است که حتی الحاق به پیمان ان پی تی را مشروط به پذیرش آن از سوی هند نموده است. از دید آمریکا، این پیروی بدون منطق می‌تواند برای منطقه خطر آفرین باشد.

ج: بی‌ثباتی یا کتمان

بی‌ثباتی پاکستان ناشی از رقابت بر سر قدرت و ارتباط نظامیان یا گروه‌های افراطی می‌باشد. در کشور پاکستان همواره قدرت میان فرماندگان ارشد نظامی و نخبگان سیاسی و حزبی در گردش است. با وجود نشانه‌هایی از ایجاد روند دموکراتیک در پاکستان، نفوذ نظامیان و رشد تروریسم مانعی بر سر راه دموکراسی در پاکستان است. (Shah, 2008: 24) بی‌ثباتی در پاکستان ابعاد وسیعی دارد. زیرا همواره میان نظامیان، سیاست‌مداران و اسلام‌گرایان رقابت وجود دارد. در پاکستان نظامیان و گروه‌های افراطی پیوندهایی با یکدیگر دارند که شرایط این کشور را پیچیده‌تر می‌سازد. پس از ۱۱ سپتامبر و با تهدید بوش، مشرف رسماً اعلام کرد که اگر پاکستان دست از حمایت طالبان بردارد، هدف بعدی آمریکا خواهد بود (واعظی: ۷).^۱ اما پاکستان اقدام با جنگ به القاعده نمود، نه طالبان. البته این گروه‌ها با یکدیگر هم پوشانی دارند. مشرف ابتدا لشکر طیبه و جیش محمد را محدود کرد، رهبران و بسیاری از پیروانش را دستگیر نمود. اما به تدریج فشار را کاهش داد و برخی مانند رهبر جیش محمد - مازود ازهر - و رهبر لشکر طیبه - حافظ سعید - آزاد شدند و گروه‌های ممنوع از فعالیت، تحت اسامی دیگری شکل یافتند (Wisner, 44). با وجود جدایی ارتش پاکستان از تفکر جهادی و القاعده‌ای، این تفکر هم‌چنان باقی است که ارتش پاکستان در مبارزه با طالبان جدی نیست و به حمایت‌های پشت پرده خود ادامه می‌دهد. زیرا طالبان در سطح بالایی از قدرت قرار دارد. لذا نوعی از پیوند میان نظامیان و طالبان و حرکات‌های خشونت‌آمیز وجود دارد.

۱- محمود واعظی، پیشین، ص ۷

د: اشاعه هسته‌ای

پاکستان از معدود کشورهایی است که اقدام به اشاعه تکنولوژی هسته‌ای می‌کند. تحقیقات آمریکا در فوریه ۲۰۰۴ نشان داد که عبدالقدیر خان و حداقل ۷ سازمان دیگر تکنولوژی هسته‌ای و صنعت غنی سازی اورانیوم را به کشورهای دیگر مانند کره شمالی، ایران و لیبی انتقال داده‌اند. (Ali, 2006: 78-9)

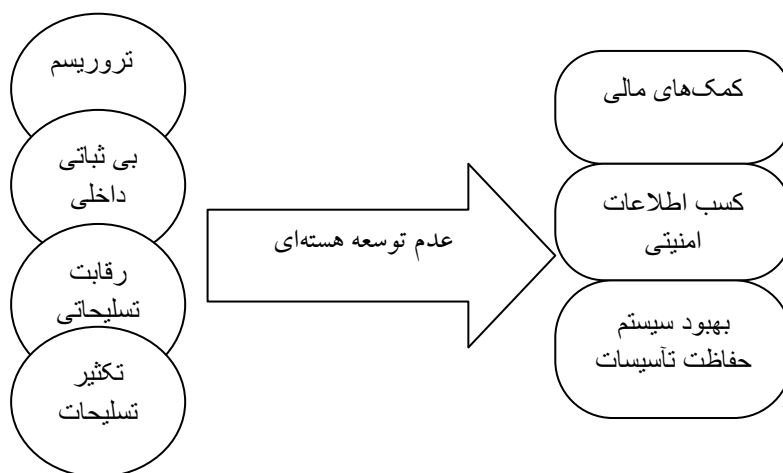
مجموعه عوامل بیان شده موجب گردید آمریکا به سیاست هسته‌ای پاکستان اعتماد نکند و بدون آن که به توسعه هسته‌ای پاکستان کمکی بکند، در جهت تقویت امنیت کارخانه‌ها و تسلیحاتی که تاکنون پاکستان کسب نموده است، تمهیداتی بیندیشد. این اقدامات شامل کمک‌های مالی، کسب اطلاعات امنیتی و ایجاد ساختارهای حفاظتی بوده است که عمدتاً با اطلاع و همکاری ارتش صورت گرفته است.

بعد از کودتای مشرف در سال ۱۹۹۹، علیه دولت قانونی نواز شریف، کنگره آمریکا به منظور ممانعت از ارائه کمک‌های اقتصادی و نظامی به پاکستان، از ماده ۵۰۸ قانون کمک‌های خارجی استفاده کرد که بر اساس آن، ارائه کمک‌های مالی به کشورهای غیر دموکراتیک ممنوع اعلام شده است؛ بنابراین کمک‌های اقتصادی آمریکا به پاکستان قطع شد. اما پس از ۱۱ سپتامبر به سبب همراهی پاکستان با آمریکا در مقابله با تروریسم، دولت بوش تحریم‌های اعمال شده علیه پاکستان را لغو کرد و کمک‌های اقتصادی و نظامی خود را از سر گرفت. در سال ۲۰۰۳، یک مجموعه کمک ۵ میلیارد دلاری به پاکستان ارائه کرد و قرار شد طی ۵ سال این کمک به بخش‌های اقتصادی و نظامی پاکستان داده شود. (واعظی: ۱۵)

به علاوه آمریکا در پی کسب اطلاعات از مسائل هسته‌ای پاکستان از طریق مصاحبه با عبدالقدیرخان بود. اما دولت پاکستان به این امر تن نداده است. (سجاد پور، ۱۳۸۶: ۱۵) بعد از ۱۱ سپتامبر آمریکا خواهان آن شد تا پاکستان سیستم کنترل و فرماندهی هسته‌ای خود را بهبود ببخشد و پیشنهاد حفاظت فیزیکی و کاهش رخنه‌های نفوذ اطلاعات را داد. (Ali : 80)

روزنامه نیویورک تایمز در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۷، اعلام کرد دولت بوش بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برای تأمین امنیت تاسیسات هسته‌ای پاکستان به صورت محرمانه هزینه کرده است. دولت پاکستان این مطالب را تکذیب کرد. اما همکاری با ماهیت آموزشی و تبادل ایده برای تقویت امنیت و مراقبت از سوی مقامات پاکستان تأیید شده است. در این راستا سیستمی چند لایه با هدف پاکسازی تاسیسات هسته‌ای از افراد مذهبی یا دانشمندانی که اسرار هسته‌ای را فروخته‌اند، شکل

گرفته است. یکی از لایه‌های این سیستم بررسی صلاحیت افراد شاغل یا در حال استخدام است که بر اساس الگوی ارائه شده آمریکا تنظیم گشته است. این الگو تبیین کننده ماهیت رفتار ایالات متحده در دوره حکومت بوش در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان است. (بشیری، ۱۳۸۷: ۲۵-۲۳).



دوره سوم: دولت اوباما تا سال ۲۰۱۲

سه عامل استبداد، تروریسم و تسلیحات هسته‌ای تعیین کننده نوع رابطه آمریکا و پاکستان حول محور فعالیت‌های هسته‌ای پاکستان است که البته نسبت به دوره بوش با تغییراتی مواجه شده است. انتخاب آصف علی زرداری از طریق انتخابات و ماندن در قدرت سال ۲۰۱۳، عامل خطر ساز استبداد را کمرنگ نموده است.

به اراک اوباما، تروریسم در افغانستان را مایه گرفته از مناطق قبیله‌ای و استان سرحد شمال باختری پاکستان می‌داند و مرزهای پاکستان و افغانستان را که گذرگاه جنگجویان مسلمان و طالبان می‌باشد، مرز سخت می‌نامد. در مورد حضور تروریست‌ها در پاکستان باید گفت که با روی کار آمدن اوباما، تحت سیاست آف-پاک منطقه‌ای که پاکستان و افغانستان در آن واقع است «خطرناک‌ترین منطقه جهان» لقب گرفت. (Fararu.com, 1388) لذا ارسال کمک به پاکستان مشروط بر اقدام فعالانه ارتش برای مقابله با این گروه‌ها گردید. اگرچه ارتش پاکستان هنوز کاری جدی در برابر گروه‌های اصلی ستیزه‌جو که علیه افغانستان، ایالات متحده و هند فعالیت می‌کنند نکرده است. طالبان افغانی، گروه حقانی، گلبدین حکمتیار، لشکر طیبه و تعداد زیادی گروه‌های

کوچک‌تر هنوز در پاکستان وجود دارند و حتی از نوعی مصونیت بهره‌مندند اما با در نظر گرفتن همه این مسائل ارتش پاکستان بیش از گذشته مشغول مقابله با ستیزه جویان است که این در دنیای سیاست خارجی یک موفقیت تلقی می‌شود.

دکترین اواما، بر صلح بین‌المللی بیشتر از دموکراتیزه کردن و لیبرالیزه نمودن تأکید دارد. هم چنین احترام به فرهنگ‌های مختلف را کارآمدتر از ایجاد یک نمونه ملت موفق آن طور که بوش معتقد بود، می‌پندارد. با این وجود هنوز خطر تسلیحات هسته‌ای باقی است و در دیپلماسی این کشور جایگاه ویژه‌ای دارد.^۱ البته اواما با طرح جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای و تلاش برای کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای به نظر می‌رسد بر خلاف گذشته هیچ اقدامی به منظور توسعه هسته‌ای کشورها انجام نداده است. لذا با وجود کمک‌های اواما به ارتش و در صورت پاکسازی کامل پاکستان از نیروهای افراطی و تروریستی، ایجاد پیمان‌های هسته‌ای دور از ذهن می‌باشد.

علاوه بر وجود افراط‌گرایی در گروه‌های خاصی از جامعه پاکستان، افزایش احساسات ضد آمریکایی نیز از جنبه‌ای دیگر بر عدم اطمینان آمریکا نسبت به این کشور می‌افزاید. مطابق یک نظرسنجی در سال ۲۰۰۷ توسط پروژه تحقیقاتی پو^۲ تنها ۱۵ درصد مردم پاکستان احساس مثبت نسبت به آمریکا دارند. اکثر مردم پاکستان (۵۷ درصد) تحمیل معیارهای دموکراسی بر رهبران جهان سوم مانند مشرف را در جهت پیشبرد منافع خود ارزیابی کردند و ۷۲ درصد حضور آمریکا در افغانستان را برای منافع ملی پاکستان مضر دانستند.^۳ نماینده ویژه اواما در پاکستان، ریچارد هالبروک این مطلب را بیان کرده است که بسیاری در پاکستان معتقدند که آمریکا شریک قابل اطمینانی نیست و پس از کسب اهداف ضد تروریستی محدودیت‌ها و فشارهایی را برای پاکستان ایجاد خواهد کرد. (Zaidi, 2009: 377-8)

1- Pew

2- Manzar Abbas Zaidi, «Hating the Taliban, Hating the United States: Trajectories of Pakistan Anti-Americanism», *American Foreign Policy Interests*, Vol.31, No.6(November-December 2009), pp.377-378

3- *Ibid*, p.382

4- www.fararu.com/vdciwya5.t1apu2bcct.html, ۲۳ آذر ۱۳۸۸

در عین حال اوباما گفته است پاکستان توانسته امنیت زرادخانه‌های هسته‌ای خود را برقرار نماید. لذا آمریکا سیاست هویج و چماق را در قبال پاکستان در پیش گرفته است. از یک طرف بر پاکستان فشار وارد می‌کند تا با سرکوب و نابودی تروریست‌ها امنیت را تأمین نمایند و از طرف دیگر بر امنیت زرادخانه‌های هسته‌ای صحنه می‌گذارد.

بخش سوم: علل تفاوت سیاست آمریکا نسبت به هند و پاکستان

در دوره اول با توجه به روند بیان شده می‌توان استنتاج کرد که سیاست خارجی آمریکا نسبت به هسته‌ای شدن هند و پاکستان تا حدودی یکسان بوده است. آمریکا همواره از تلاش دو کشور برای دستیابی به بمب اتم آگاه بوده است و شواهدی در دست داشته است. گاهی نیز آمریکا در سرعت بخشیدن به این روند نقش ایفا نموده است. مانند مجوز بازدید گروهی از هندی‌ها و پاکستانی‌ها از آزمایشگاه‌های تسلیحات آمریکا. به عبارت دیگر سیاست خارجی آمریکا در قبال هند و پاکستان با سیاست عدم تکثیر هسته‌ای کاملاً منطبق نبوده است. چنین اقداماتی را می‌توان سیاست عدم تکثیر تقلیل گرایانه نامید.

دولتمردان آمریکا با تعقیب سیاست رئالیستی به این نتیجه رسیده بودند که در صورت قطع کامل روابط آمریکا با آن‌ها، هند و پاکستان به سوی کشورهای دیگر توسعه یافته و برخوردار از تکنولوژی هسته‌ای متمایل خواهند شد و در این شرایط نظارت بر آن‌ها دشوارتر خواهد بود. همچنین برخی محدودیت‌ها و تحریم‌های اعمال شده نیز مانع از ادامه راه توسط هند و پاکستان نبوده است. به دلیل ریشه اختلافات هند و پاکستان، سیاست‌های دو کشور در یک راستا در جهت هسته‌ای شدن پیش رفته است. آمریکا نیز پس از پی بردن به این موضوع، تحریم‌های خود را کاهش داد. قابل ذکر است محدودیت‌های اعمال شده بر پاکستان بیشتر و سخت‌تر از هند بوده است. این تفاوت رفتار را می‌توان ناشی از رویکرد مبارزه طلبی پاکستان، حمایت از گروه‌های افراطی و نقش کشور اسرائیل در تنظیم روابط هند و پاکستان با آمریکا دانست. سوابق تاریخی مبنی بر روحیه مبارزه جویی که موجب جدایی پاکستان از هند شد و حمایت‌های پنهان و آشکار پاکستان از طالبان، شرایط سخت‌تری را بر این کشور تحمیل نمود. بسیاری از مفسرین معتقدند حمله طالبان در سال ۱۹۹۶ فراتر از توانایی دانش آموزان مدارس پاکستان بود و نیروی نظامی پاکستان در این امر دخالت داشتند (Sreedhar, 1997: 67) تا پیش از سقوط طالبان در افغانستان، ارتش پاکستان برای

تأثیرگذاری بیشتر در افغانستان و کشمیر به سمت طالبان و حرکت‌های خشونت‌طلبانه گام بر- می‌داشت. (واعظی: ۹) مسجد لعل و مدارس وابسته به آن محل رفت و آمد افسران عملیاتی آژانس محرمانه ارتش موسوم به «آی اس آی» و همکاری آن‌ها با جریان‌های جهادی از چچن‌ها و ازبک‌ها در آسیای مرکزی تا جماعت اسلامی در اندونزی، سران لشکر طیبه و مجاهدین کشمیری بود. (ملازهی، ۱۱: ۱۳۸۶)

عامل اسرائیل را نیز نمی‌توان در روابط کشورها با آمریکا نادیده گرفت. به رسمیت شناختن اسرائیل و روابط گسترده هند با اسرائیل موجب اعمال مجازات‌های سهل‌تری توسط آمریکا بر این کشور می‌شد. در حالی که پاکستان به عنوان کشور مسلمان، اسرائیل را به رسمیت نشناخت. بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱، دو سند امنیت ملی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶ (با رویکرد تهاجمی‌تر) رویکرد آمریکا را نسبت به موضوع هسته‌ای بیان می‌دارد. محورهای اساسی مطرح شده در این سند عبارتند از:

- حمایت از آرمان‌های مبتنی بر شأن انسانی، پیشبرد آزادی و عدالت، براندازی نظام‌های خودکامه و بالا بردن رفاه از طریق تجارت آزاد و توسعه. در این راستا آمریکا با چالش‌هایی که دموکراسی‌ها با آن مواجه هستند مقابله می‌نماید. مانند رشد سلاح‌های کشتار جمعی و تروریسم.
- تقویت ائتلاف نابودی تروریسم جهانی. تروریست‌ها نباید به سلاح کشتار جمعی دست یابند و کشورهای یاغی باید از حمایت از این گروه‌ها بازداشته شوند.
- همکاری برای رفع تنش منطقه‌ای و ایجاد ثبات: تنش‌های منطقه‌ای ناشی از دولت‌های ضعیف، ظلم‌های بیش از حد، ادعای رقابت جویانه، شورش‌های داخلی، رقابت قبیله‌ای و نفرت قومی و مذهبی است.
- جلوگیری از اقدامات تهدیدآمیز دشمن.
- ایجاد زیرساخت‌های دموکراسی و تأسیس انجمن‌ها: توسعه بلندمدت موجب انتخاب‌های عقلایی می‌گردد.
- اولویت همکاری با مراکز اصلی قدرت جهانی به منظور مقابله با اسلام افراطی نظامی.
- تغییر نهادهای امنیت ملی آمریکا متناسب با چالش‌های قرن ۲۱. لذا آمریکا سازمان امنیت داخلی را با سه هدف جلوگیری از حملات تروریستی در خاک آمریکا، کاهش آسیب پذیری

آمریکا در برابر تروریسم و به حداقل رساندن خسارات و تسهیل بازسازی خود بعد از حملات تروریستی تأسیس نمود.

از دیدگاه آمریکا حکومت‌های استبدادی در تلاش برای دست‌یابی به تسلیحات کشتار جمعی یا حمایت از تروریسم، منافع امنیتی بلاواسطه آمریکا را تهدید می‌کنند. لذا باید از دست‌یابی کشورهای یاغی و هم‌پیمانان تروریست به تسلیحات کشتار جمعی که در استفاده از این تسلیحات لحظه‌ای تردید ندارند، جلوگیری نمود. به عبارت دیگر آمریکا ترکیب سلاح‌های کشتار جمعی، تروریسم و نظام استبدادی را خطرناک می‌داند.^۱

بر اساس سند امنیت ملی آمریکا هند مصداق کشور دموکراتی شناخته شد که توان انتخاب‌های عقلایی را دارد و می‌تواند به کمک آمریکا ائتلافی را برای مقابله با تروریسم و تسلیحات هسته‌ای تشکیل دهد. پاکستان نیز نمونه کشوری است با مشکلات قومی، مذهبی، ضعف دموکراسی، تروریسم که برای نظم جهانی خطرناک است و باید با تهدیدهای آن مقابله نمود. بنابراین سیاست آمریکا از یازده سپتامبر تا پایان دوره بوش دارای دو جهت‌گیری متفاوت نسبت به هند و پاکستان بوده است. بر خلاف پیمان ان پی تی، با هند توافق هسته‌ای صورت می‌گیرد. با انعقاد قرارداد هسته‌ای میان هند و آمریکا، مشرف نیز خواهان توافق نامه مشابهی شد. اما آمریکا مورد پاکستان را از هند متفاوت دانست شاید یکی از اهداف آمریکا از این قرارداد، هشدار به پاکستان و نوعی انزوی پاکستان باشد. (Cheema, 2007: 55) مطابق NPT کشورهای دارای تسلیحات هسته‌ای نباید به سایرین در جهت توسعه هسته‌ای کمک نمایند. آمریکا معتقد است بمب هسته‌ای هند سلاح تمیز و بمب هسته‌ای پاکستان به دلیل همراهی تروریست‌ها و استبداد داخلی سلاح کثیف است. لذا آمریکا سیاست عدم تکثیر و اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را نسبت به پاکستان اعمال نموده، اما هند از آن مصون است. مطابق اظهار نظر آمریکایی‌ها واکنش نسبت به هسته‌ای شدن کشورها به شرایط داخلی و منطقه‌ای کشورها و منافع آمریکا بستگی دارد. آمریکا بعد از یازده سپتامبر در حالی که هند را به سوی توسعه دانش و تسلیحات هسته‌ای سوق می‌داد، پاکستان را از آن منع می‌کرد.

در دوران اوباما روابط هند و آمریکا تداوم می‌یابد و همکاری هسته‌ای با توجیه خلع سلاح و منع گسترش آن روند پیشین خود را ادامه می‌دهد. اما پاکستان با شناخته شدن به عنوان منطقه پرخطر

هم چنان نمی‌تواند متحد استراتژیک آمریکا در زمینه هسته‌ای باشد. به گفته مقامات آمریکایی مانند هیلاری کلینتون وزیر خارجه آمریکا، این کشور به دنبال بهبود رابطه با پاکستان است. اما موضوع تسلیحات هسته‌ای موضوع نگران‌کننده برای آمریکاییان می‌باشد. حضور پررنگ نظامیان و اقدامات تروریستی گسترده در افغانستان و پاکستان حاکی از آن است که از سه عامل موثر بر رابطه آمریکا با پاکستان، هنوز هر سه در ارتباط با یکدیگر عمل می‌کنند. ممکن است سیاست اعلانی دولت اواما نسبت به مسائل هسته‌ای پاکستان در برخی موارد نرم‌تر شده باشد، اما آمریکا در شرایط کنونی خواهان جهت‌گیری مثبت در سیاست‌های عملی خود حول موضوع هسته‌ای در قبال پاکستان نیست.

نتیجه‌گیری

دست‌یابی هند و پاکستان به بمب اتم بر معادلات امنیتی منطقه جنوب آسیا به ویژه در نوع روابط کشورها با آمریکا تأثیرگذار بوده است. آمریکا همواره بر اجرای مواد پیمان NPT تأکید داشته است، اما در عمل سیاست‌های متفاوتی را در دوره‌های زمانی و در قبال کشورهای مختلف اعمال نموده است.

پس از جنگ سرد و به ویژه از سال ۱۹۹۸ که هند و پاکستان به آزمایش‌های هسته‌ای اقدام نمودند، آمریکا به تحریم هر دو کشور پرداخت. اما مطابق گفته ریچارد پ-کرونن اگرچه هم هند و هم پاکستان با سیاست عدم تکثیر درگیر هستند، اما بسیاری از قوانین سخت‌مستقیماً به پاکستان مرتبط است و به دلیل وابستگی بیشتر پاکستان به حمایت امنیتی آمریکا آسیب پذیری آن بیشتر است (Javid, 2006:25).

اما به تدریج تحریم‌ها سبک یا رها شدند. زیرا پس از کسب بمب اتم، اقدامات تنبیهی کارآیی خود را از دست داده بود؛ تحریم‌ها مانع از تداوم تلاش‌های دولتمردان هند و پاکستان به منظور توسعه هسته‌ای نشد و حتی موجب گرایش آن‌ها به خصوص پاکستان به کشورهای دیگر مانند چین گردید؛ آمریکا وجود بمب هسته‌ای در این کشورها را که حداقل مخالف سیاست‌های آمریکا نبودند، در جهت منافع خود می‌پنداشت.

در دوره دوم و با حمله به برج‌های دوقلو، عوامل جدیدی در تعیین سیاست آمریکا، وارد شدند. پاکستان به عنوان کشور یاغی شناخته شد که تقابل تروریست‌ها و حکومت نظامیان، اطمینان به

زرادخانه‌های هسته‌ای پاکستان را کاهش داد. در صورت دستیابی گروه‌های افراطی به تسلیحات هسته‌ای، هیچ اقدام خطرناکی دور از انتظار نیست. اما هند به عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و کشوری مسئول، طرف قرارداد هسته‌ای با آمریکا واقع شد. اقدامی که با نص صریح پیمان ان پیتی مغایر است. هماهنگی هند و آمریکا برای مبارزه با افراط‌گرایی، تروریسم و خودکامگی به مبحث تأسیسات هسته‌ای تسری یافت و آمریکا سیاست‌های مسالمت آمیزی را در قبال هند، در پیش گرفت، در حالی که به وضوح پاکستان را از این امتیازات محروم نمود.

با روی کار آمدن اوباما، هم‌چنان فعالیت‌های هسته‌ای هند مسالمت آمیز خوانده شد و مبادلات در زمینه هسته‌ای ادامه یافت. بر اساس سیاست‌های آمریکا، هند از این قابلیت برخوردار است که در یک ائتلاف با آمریکا به مقابله با تروریسم هسته‌ای اقدام نماید. در این دوره با ارائه طرح جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای توسط اوباما، هند و آمریکا برای محدود نمودن فعالیت‌ها و آزمایش‌های هسته‌ای آمادگی خود را اعلام نموده‌اند.

کشور پاکستان در ابتدا به عنوان منطقه پرخطر جهان نامیده شد. (به همراه افغانستان) و لذا کمک‌هایی به منظور کاهش تروریسم و حفاظت از تأسیسات اتمی به این کشور اختصاص داده شد. با وجود این که اظهار نظرهایی از سوی مقامات آمریکا مبنی بر تأیید پاکستان هسته‌ای و ایجاد روابط گسترده‌تر بیان شده است، اما تاکنون مقامات پاکستان نتوانسته‌اند اعتماد آمریکاییان را به منظور توسعه قابلیت‌های هسته‌ای خود جلب نمایند. ضمن آن که فعالیت طالبان هم‌چنان به شکل وسیع ادامه دارد.

دیوید آلبرایت رئیس موسسه علوم و امنیت ملی معتقد است که احتمال جنگ هسته‌ای میان هند و پاکستان کم است، اما باید نگران این احتمال بود. هم‌چنین وی معتقد است هند بر خلاف پاکستان استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را تنها در موارد دفاعی در دستور کار خود قرار داده است. اما پاکستان نمی‌خواهد گرفتار یک جنگ هسته‌ای شود و لذا همیشه آماده است و به طور سنتی قادر به استفاده از این نوع سلاح‌ها است. از آن جاست که بمب اتم هند را بمب تمیز و بمب اتمی پاکستان را بمب کثیف می‌گویند.

منابع

- امینی، محمد صادق، «تروریسم هسته‌ای از رویا تا واقعیت». گزارش، سال ۱۷. شماره ۱۸۸. تیر ۱۳۸۶
 - بشری، اسماعیل. «امنیت هسته‌ای پاکستان: چالش در حال تهدید». مجله راهبرد. ج ۱۶. شماره ۴۸. پاییز ۱۳۸۷
 - توحیدی، ام‌البین. «رویکرد نوین سیاست خارجی هند». قدرت‌های آسیایی. شماره ۶. خرداد ۱۳۸۶
 - زندی علی آبادی، طاهره. «از بازدارندگی تا مشارکت استراتژیک: فعالیت هسته‌ای هند». نشریه همبستگی. فروردین ۱۳۸۶
 - سجاد پور، محمد کاظم. «تأثیر رفتارهای خارجی واشنگتن بر پاکستان قربانی آمریکا». همشهری دیپلماتیک. شماره ۲۰. آذر ۱۳۸۶
 - شاستین، لو. «تروریسم دولتی آمریکا». ترجمان سیاسی. ر. علی اکبر پور. شماره ۱۰. بهمن ۱۳۸۰
 - شل، جانایتان. «فروپاشی دکترین بوش». همشهری دیپلماتیک. ترجمه سعید علوی نائینی. شماره ۲۰. آذر ۱۳۸۶
 - ملازهی، پیرمحمد. «بازی هسته‌ای هند و آمریکا». نشریه قدس. (۲۹/۹/۸۵)
 - ملازهی، پیرمحمد. «معامله قدرت پیش‌بینی شرایط سیاسی آینده در پاکستان». همشهری دیپلماتیک. شماره ۲۰. آذر ۱۳۸۶
 - واعظی، محمود. «تحولات سیاسی پاکستان و آینده حکومت مشرف نظامیان مستأصل». همشهری دیپلماتیک. شماره ۲۰. آذر ۱۳۸۶
 - یزدان فام، محمد. «نگاهی اجمالی به سند راهبرد امنیت ملی آمریکا ۲۰۰۶، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. ۱۳۸۵
 - «-----»، ۱۱ سپتامبر و سیاست‌های آمریکا در قبال هند و پاکستان»، نشریه آزاد (۲۱/۳/۱۳۸۱)
- Ali, Syed Ghazanfar. Khalid, Iram. «US-Pakistan Relations Post 9/11 Era» National Development and Security. Vol. XIII, No.4. Summer 2006

- Dudley, William. *India and Pakistan Opposing Viewpoint*, Green haven Press. 2003
- Durrani, Lt Gen Asad « *Indo-US Nuclear and Def Collaboration*» National Development and Security. Vol .XIII, No.4 . Summer 2005
- E.Rennack, Dianne. *India and Pakistan Current US Economic Sanctions*, Congress Research Studies. 2001
- G.Thomas, Raju. « *Nuclear Favouritism: Bush, India and Pakistan* » Global Dialogue. Winter/Spring 2006
- G.Wisner II Frank, and Others. *New Priorities in South Asia: U.S. Policy toward India, Pakistan and Afghanistan*, United States: Council on Foreign Relations. 2003
- Iqbal Cheema, Perviz. Mahmud, Brig Muneer. *Ballistic Missiles and South Asia Security*, Islamabad: Islamabad Policy Research Institute. 2007
- Javaid, Umbreen. *Peace and Security in South Asia: issues and challenges*, Lahore: Pakistan Study Centre.2006
- Kronstadt, K-Alan. *India-US Relations*, Congressional Research Service.2006
- Malik, V.P. « *Indo-US Defense and Military Relations: From Estrangement to Strategic Partnership*» US-Indian Strategic Cooperation into the 21ST Century, New York: Routledge, 2006
- N.Haass, Richard and Rose, Gideon. *A New U.S. Policy toward India and Pakistan*, United States: Council on Foreign Relations. 1997
- Rajagopalan, Rajash. And Sahni, Varun. « *India and Great Powers: Strategic Imperatives, Normative Necessities*». South Asian Survey. No.15.2008
- Rehman, Shahid. « *Can Pakistan afford the Bomb?*» The Risk Report.Vol.1, No.6. July-August 1995
- Shah, Aliq *Praetorianism and Terrorism*. Journal of Democracy. Vol.19, No.4. October 2008
- Singh, Jasjit. *Nuclear India, New-Delhi: Knowledge World*. 1998
- Sreedhar, *Taliban and the Afghan Turmoil the Role of USA, Pakistan, Iran, China*, New-Delhi: Himalayan Books. 1997

- Zaidi, Manzar Abbas. *Hating the Taliban, Hating the United States: Trajectories of Pakistan Anti-Americanism*. American Foreign Policy Interests. Vol.31, No.6. November-December 2009
- Zhongping, Feng and others. *Global Security in Multipolar World*, Paris: Institute for Security Studies. 2009
- www.american.gov/st/peaceesepersian/2009/December/20091204150822eaifas0.4976618.htm, ۲۲ آذر ۱۳۸۸
- www.bashgah.net/pages-27271.html, ۲۰ دی ۱۳۸۸
- drshafiee.blogfa.com/post-35.aspx, ۲۸ آبان ۱۳۸۸
- drshafiee.blogfa.com/post-198.aspx, ۲۸ آبان ۱۳۸۸
- drshafiee.ir/post-3.aspx, ۲۱ آبان ۱۳۸۸
- drshafiee.ir/post-19.aspx, ۲۱ آبان ۱۳۸۸
- www.fararu.com/vdciwya5.t1apu2bcct.html, ۲۳ آذر ۱۳۸۸
- www.mardomsalari.com/TEMPLATE1/Article.aspx?AID=9808, ۲۳ آذر ۱۳۸۸

